

# روزنه بصیرت



صفحه آرایی: محمد خالوئی

هیئت تحریریه:

فرزانه ابراهیمی ، آسیه امان الهی، نادر اسدی، زهرا بابایی، اسماء رضایی ،محمد خالوئی، یاسمن صدر ،حمیدرضا شاهمیرزایی ، علیرضا شاهسونی، فاطمه شمس، علیه محمد زاده، فرنام یزدی زاده

مدیر مسئول:حسین حاجی زاده  
جانشین مدیر مسئول: رحمان فلاح باقری  
سر دبیر: علیه محمدزاده

## زندگی چیست؟؟

گاهی زندگی انقدرسریع می گذردکه ما می مانیم آیا زندگی ما را با خود می برد یا ما زندگی را با خود می بریم.  
آنقدرهمه چیزسرعت دارد که ادم بین ماندن ورفتن نمی داند کدام رادارد طی میکند.

این جمله ها تکراریست ولی چقدرپرمعناست وچقدر ما به ان ساده نگاه میکنیم گویی که چیزهای دیگرمهم تراست مثل: مرگ ازآنچه فکر میکنید به شما نزدیکتراست یاقدرجوانیت را بدان پیرشوی افسوس این لحظه هایت رامیخوری.

شایدفکرکردن به این جملات مارا ازدنیای خودمان بیرون بیاورد وبه همین خاطراز آنها میگذریم،گذشتنی که روزی مارا با خود همراه خواهدکرد.

بعضی واژه ها خیالمان را راحت میکند میگذرد،چه خوب چه بد بذار فعلا این کاروانجام بدم برای بعدش فکر میکنم،هنوزکلی مونده...

طوری حرف میزنیم که کویی همیشه هستیم تایکساعت دیگه یکسال دیگه یابه قول معروف ۱۲۰سال!!!  
زندگی روبه چه قیمت میخواهیم!  
اصلا قیمت زندگی چقدره!  
خریدنیه؟پوشیدنیه؟یاخوردنیه!  
زندگی مثل یک هوای ابریست اسمون رواواونجوری که هست نمیبینی ولی وقتی ابرهابرن کنارمی فهمی اینایی که من تاحالامیدیدم گذرابودن وواقعیت چیزدیگه ست واون موقع ست که خورشید برات معناپیدامیکنه.

توی زندگی الانی که ابرهاجلوی دیدمون روگرفتن بایدبگذریم خورشیدمون روزودترپیداکنیم تامباداراه روگم کنیم.  
شهداخورشیدهایی هستندکه نورشون تمومی نداره وقتی بتابندگرم میشی وتازه میفهمی زندگی یعنی چی؟  
و چه قیمتی داره زندگی با نور!  
البته گاهی وقتا این عینک اقتابی که میزنیم نمیداره خوب ببینیم وچشمهامون لذت دیدن نوروازدست میدن وبه تاریکی عادت میکنند.

پس بیاییم عینکهارو کناربزینیم وبذاریم تمام وجودمان گرم بشه.

یاسمن صدر

دفتر این رئیس محترم به دلیل هجوم مردم برای تقدیر و تشکر و همچنین دادن هدیه ناقابل جای سوزن انداختن نیست و از آن می گذریم.

**جلسه هیأت دولت :**

میکروفون وزیر محترم بهداشت که از لوله قلیان آمریکایی (USA) ساخته شده محض احتیاط قطع شده است. رئیس سازمان محیط زیست هم رفته است دنبال حل معضل دودهای هوای تهران و اصلا از حرفهای جناب نجفی خبر ندارد. وزیر صنایع هم دارد از شدت شادمانی یک کاری می کند که نمی شود الان اینجا نوشت، چون ممکن است اینجا خانواده نشسته باشد(روزنه بصیرت در بین خانواده ها هم پخش می شود).

**کارخانه تولید ماشین:**

همین قدر بدانید که از فردا ماشینهای دودزای مدل عهد بوق مثل ژیان و فولکس قورباغه ای در خط تولید کارخانه ها قرار می گیرد چون ثابت شده است دودزا بودنشان کمتر از قلیان است.

**جلسه مشترک اصلاح طلبان:**

چون افراد حاضر در جلسه ۳۰ نفر بودند و ۲۰ تا قلیان آماده شده بود قرار شد از جلسه بعد ۱۰ نفر به جلسه کمتر دعوت شوند.  
مجمع اپوزسیون علاف در خارج از کشور:

به دلیل نبودن قلیان، فقط با هدف ارسال پالس های مثبت و ایجاد ارتباط با داخل کشور، اقدام به سرو و صرف زهرماری می شود تا بلکه یادشان برود دهها سال است دارند وطن فروشی و خود فروشی می کنند.

**هتل چندستاره داخلی:**

چون نمی تواند از اون «چیز»ها به توریست های خارجی بدهد و برای کنار نرفتن از عرصه رقابت قرار شد که صاحب هتل عصر ها به مسافران خارجی سواری «کول» دهد.

**جلسه محرمانه مذاکرات ظریف و اشتون:**

اشتون به ظریف: وای سرم گیج رفت، این چی بود دادی من کشیدم؟ نکنه معتاد بشم؟ دارم بالا میارم. بگو زنگ بزنی به اوباما! ظریف به اشتون:

خجالت بکش! نامردی نکن! مگه قرار نبود جزئیات مذاکره محرمانه بمونه؟ بد کاری کردم قلیون دادم بخشی که اون زهرماری رو بذاری کنار؟ یه ذره جنبه داشته باش!

**قهوه خانه سر کوچه:**

سیل عظیم دختران و مادران و پدران درحمایت از سخنان رییس سازمان میراث فرهنگی به طرف این محل روانه شده است و از این به بعد باید برای کشیدن قلیان از یک ماه قبل زنگ بزنییم و تلفنی جا رزرو کنیم!

**کاسب سر همان کوچه:**

طفلی مجبور شد شغل آبرو مندانه اش «چیز» فروشی را کنار بزاره، چون با ترویج قلیان ،اعتیاد از بیخ و بن ریشه کن شده است.

علیرضا شاهسونی

## طنز قلیون میراث فرهنگی ؟!



در واکنش به سخنان سراسر قلیانی محمدعلی نجفی رئیس میراث فرهنگی در یک برنامه زنده تلویزونی، همه اقشار جامعه در صدد تشکر از این چهره فرهنگی! برآمدند. بعد از سخنان تاریخی جناب نجفی درباره قلیان، از باب ثبت در تاریخ چرخ زدیما! در نقاط مختلف مکانی و نتایج این حرف های قشنگ را ثبت کردیم تا جزئیاتش را خدمت شما ارایه کنیم.

واکنش های به سخنان سراسر قلیانی جناب نجفی به شرح زیر بود:  
**خوابگاه دانشجویی پسران:**

از همین امروز در بعضی خوابگاه های پسرانه، شور و اشتیاق وصف ناپذیری برای مطالعه آزاد دروس مرتبط با میراث فرهنگی به وجود خواهد آمد. به طوری که شعار «روحانی مچکریم» جای خود را به شعار «نجفی مچکریم» خواهد داد.

**خوابگاه دانشجویی دختران:**

علاقه عجیبی بین دانشجویان دختر برای تغییر رشته به میراث فرهنگی به وجود آمده البته مسئولان دانشگاه هم از آنها خواسته اند تا با پدر و مادرشان در کلاس ها بیایند تا مشکلی به وجود نیاید.

**خانه دانش آموزان:**

سیل عظیمی از دانش آموزان عاشق باستان شناسی تحقیقات گسترده ای در خانه هایشان پیرامون این بحث شروع کرده اند، اما یک مشت والدین نامتمدن به دلیل دود زیاد تولید شده در محل تحقیقات که خانه را به قهوه خانه تبدیل کرده مانع از بروز استعدادها و خلاقیت های آنها شده اند.

**مغازه فروش قلیان ، تنباکو و توتون:**

یک عکس بزرگ از جناب نجفی روی در و دیوار نصب شده و زیر این عکس هم نوشته همیشه در قلب منی!  
اتاق رییس محترم سازمان فرهنگ میراثی:

## فالنانه شهدا»»»

**فروردین :**

شهید صفرعلی یعقوبی : «ای ملت قهرمان و بزرگ! من به عنوان یک برادر به شما توصیه میکنم گوش به حرف این گروهک های فاسد و ضداسلامی ندهید. شما را به خدا قسم امام را تنها نگذارید و پیرو خط امام باشید.»

**اردیبهشت :**

شهید: حسین احمدی قلعه بالا : «وصیت من به امت شهیدپرور ایران این است که فقط از رهبر انقلاب، این نایب امام زمان علیه السلام، این فرزند زهرا سلام الله علیها، این حامی مستضعفان جهان و این فرزند امام حسین علیه السلام دست برندارید. برای حفظ وحدت و اتحاد بکوشید که اطاعت از رهبری و وحدت بین مردم ضامن تداوم و گسترش اسلام است.»

**خرداد :**

شهید: محمدحسین کاشفی زاده : «چند کلامی با شما ملت شهیدپرور سخن می گویم: مسأله اول که بسیار تأکید شده ولایت فقیه است که آینده جمهوری اسلامی ایران به آن وابسته است. مبادا با حرکتها و سخن های بیجا و لو بدون منظور بخواهید شانه از زیر بار مسئولیت خالی کنید. شما که شاهد به خون خفتن هموطنان خود بوده اید، با ریختن هر قطره خونشان مسئولیت شما سنگینتر شده است. مبادا با ندانستن وظیفه، خون شهیدان را پایمال کنید.»

**تیر :**

شهید: محمدمهدی جهانبخش : «دست از امام بزرگوار و نایب بر حق ولیعصر(عج) بر ندارید. همیشه دستورات پیامبرگونه او را اجرا نمایید و هر جا لازمه انقلاب است در صحنه حاضر شوید.»

**مرداد :**

علی جمعه ترشیزی : «تصمیم گرفته ام با حضور خود در جبهه ها دین خود را به شهدا و رزمندگان و این مردم ایثارگر ادا کنم؛ چون کار آنها جهاد اکبر است و من می خواهم جهاد اکبر را پیشه خود کنم؛ چون آنها با خواسته های درونی خود مبارزه می کنند و پیروز می گردند، من نمی توانم مثل آنها باشم و به آن درجه برسم، لذا جهاد اصغر را که مبارزه با دشمن است پیشه خود کرده ام.»

**شهریور :**

شهید: حسین بادی : «از پدر و مادر تقاضا دارم اگر شربت شهادت را چشیدم برای من جشن بگیرند.»

**مهر :**

شهید: محسن سقایی : «تا حال من مرده بودم و این لحظه آغاز جهاد و شهادت است. این احساس را در خود می بینم که تازه متولد می شوم و زندگی جاودان خود را آغاز می کنم. شهادت انسان را به درجه اعلا ملکوت می رساند. شهادت در راه خدا زیباست، مانند گل محمدی می ماند که وارثان خون پاک شهید از آن می بویند. خدایا! شهادتم را در راه اسلام و قرآن که خاری در چشم دشمنان است بپذیر.»

**آبان :**

حسین جزینی : «در این راهی که رفتم هر چه خدا بخواهد همان می شوم، اگر سعادت شهادت را داشته باشم و شهید شوم شما هم مانند پدر و مادرانی که عزیزانشان را در راه اسلام از دست داده اند صبور باشید و به خاطر پسران گریه و زاری نکنید. از شما یک چیزی می خواهم، گناهان زیادی کرده ام از خدا بخواهید گناهان مرا ببخشد.»

**آذر :**

شهید: حسین کیایی نژاد : «دست از روحانیت برندارید همچنان که امام خمینی فرمودند: اگر روحانیت نبود اسلام هم نبود. امام را تنها نگذارید و ایشان را دعا کنید و به فرمایشات این پیامبر زمان گوش کنید.»

**دی :**

شهید: عبد الله معیل : «مبادا تبلیغات سوء و شیطانی دشمنان اسلام و ایادی شان در شما اثر بگذارد. به اهمیت کارتان پی برده و سنگر پایداری را در هیچ کجا خالی نگذارید.»

**بهمن :**

شهید: سعید فهمی : «خداوندا! تو خود شاهدهی من با شناختی که از مکتب مقدس اسلام دارم عازم جبهه های جنگ می شوم تا بتوانم به اندازه وسع و توانایی خود خدمتی به اسلام عزیز بنمایم. پروردگارا! حال که برای رضای تو در این راه قدم برداشته ام تو را قسم می دهم به خون حرکت آفرین شهید کربلا امام حسین علیه السلام در این لحظات آخر، گناهانم را اگر چه خیلی زیاد است، ببخش. معشوقا! اگر توفیق شهادت در راحت را به من عطا نمودی، تو را هزاران بار شکر می کنم و اگر پیروزی را نصیب فرمودی، باز هم تو را شکر می کنم؛ چرا که امام عزیزمان فرموده: اگر بکشید، پیروزید و اگر هم کشته شوید، پیروزید.»

**اسفند :**

شهید محمود کاوه : دشمن باید بداند و این تجربه را کسب کرده باشد که هر توطئه ای را که علیه انقلاب طرح ریزی کند، امت بیدار و آگاه با پیروزی از رهبر عزیز، آن را خنثی خواهد کرد. آینده جنگ هم کاملاً روشن است که پیروزی نصیب رزمندگان اسلام خواهد شد و هیچگاه ما نخواهیم گذاشت که خون شهیدانمان هدر رود.







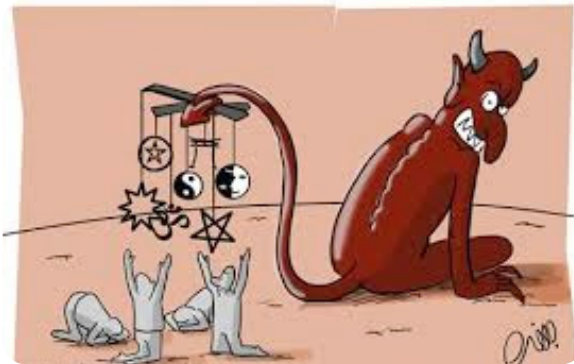
# روزنه بصیر

## وظیفه ما دقیقاً مبارزه با آمریکای جهان خوار

جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع آمریکای جهان خوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه ای آشتی ناپذیر دارد و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی امان خود را علیه آمریکا شروع کرده ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفرانزند. ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است، ادامه دهیم، فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید.

صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱

## ریمان پوسیده ۲



در گذشته درباره عرفان های حقیقی و کاذب و عرفان اسلامی و سکولار گفتیم. اما سؤال اساسی اینجاست که :

چه کسانی سناریو عرفان های کاذب را می نویسند؟

رهبران این گروه ها عمدتاً افرادی هستند که قصد شیادی دارند و به این قضیه اشراف دارند که بشر بریده از آسمان پس از چندی دوباره سراغ آن را خواهد گرفت! بنابراین دکان و دستگاہی بر هم زده اند تا از این رهگذر انگیزه های پست دنیوی خودشان تحقق یابد!

افرادی شهوتران که اغلب خدا را قبول ندارند و پیروان خود را به اعمال ننگینی دعوت کرده و آن ها را روز به روز بیش تر در منجلاب پوچی فرو می برند.

اما چرا بشر به عرفان رو می آورد؟

بشر زمانی پرچم رنسانس را بالا برد و با افتخار دین را از ابعاد مختلف زندگی خودش بیرون راند! و سکولاریسم متولد شد... نهضت رنسانس یعنی نهضت بریدن از آسمان. اما پس از چندی که زندگی خود را به بعد مادی محدود کرد متوجه شد که این بعد به تنهایی راضی کننده نیست . از طرفی نتوانست عقاید سکولاریستی خود را نا دیده بگیرد و ناچاراً به عرفان های کاذب روی آورد. عرفان کاذب به دنبال معنویت نیست بلکه فقط مسیر رسیدن به آرامش را نشان می دهد در حالیکه همین آرامش هم می تواند موقتی و کاذب باشد!! بعضی از آن ها چون دالایی لا ما آرامش را در بی آرزویی می بیند در حالیکه بشر از این پوچی و بی هدفی گریخته و به او روی آورده که اینگونه نباشد!

اما تفاوت عمده این نوع عرفان با عرفان اسلامی در :

- ۱- نپذیرفتن اصل توحید و وجود خداوند
- ۲- نپذیرفتن وجود معاد در سرنوشت محتوم انسان ها
- ۳- عدم وحیانی بودن آموزه های آنان

### چند نکته درباره عرفان های کاذب

در این دسته از عرفان ها عقاید نسبی اند و شاید بتوان گفت دچار پلورالیزم عقیدتی هستند. یعنی مهم نیست عقیده انسان چیست مهم این است که او را به آرامش می رساند یا نه؟

مثلا دالایی لا ما معتقد است : " ممکن است کسی با اعتقاد به خدا به آرامش برسد و دیگری با انکار خدا هر کدام باید داروی مورد نیاز خود را انتخاب کنند(!)"

یا رهبر عرفان رام الله که معتقد است مسیح هم به صلیب کشیده شده و هم به معراج رفته و به قول خودش می خواسته هردو دسته مخاطبان مسیحی و مسلمانان را راضی نگه دارد!

همانطور که قبلاً هم اشاره شد هیچ توجهی به معنویت نمی شود و همچنان ابعاد دنیایی در قالبی متفاوت و با رنگ و لعابی فریبنده به مخاطبان مشتاق عرضه می شود!

هم چنین این عرفان ها پیروان خود را ظلم پذیر بار می آورند و با توجیه های واهی جلوی عکس العمل او در برابر ظلم را می گیرند... در حالیکه بشر فطرتاً با ظلم موافق نیست و ظلم ستیز است! بنابراین مخالفت با فطرت هم از جمله ویژگی های این عرفان ها به شمار می رود.

ادامه دارد...

علیه محمدزاده

## ویژگی های متفاوت

## زن و مرد

چرا خداوند زن و مرد را با ویژگی های متفاوتی خلق کرده است؟ با سلام...در این شماره از نشریه ضمن بیان عوامل شکل گیری نهاد خانواده به بیان برخی از علل تفاوت های زن و مرد پرداخته وبه سوالات زیر پاسخ می دهیم.

چرا مرد ها عقل کلی نگر دارند و زن ها عقل جزئی نگر؟ چرا زنان بیشتر از مردان حرف می زنند؟ چرا مردان باید به زنان نفقه بدهند؟ برای تشکیل نهاد خانواده سه عامل نیاز است که عبارتند از :

- ۱- تولید نسل که توسط زن و مرد انجام می گیرد.
- ۲- محافظت از نسل که توسط مرد(به کمک زن) انجام می گیرد ۳- تربیت نسل که توسط زن (به کمک مرد) انجام می شود.

در مورد اول، خداوند میل و علاقه به فرزند را در وجود پدر و مادر قرار داده است و همچنین احادیث متفاوتی به برکات وجود فرزند اشاره می کنند و همین امر باعث شده مومنان نسبت به سایرین علاقه بیشتری به وجود فرزند داشته باشند. در مورد دوم، باید ابتدا محافظت از نسل را تعریف کرد که عبارت است از: مقابله با هر چیزی که بنیان خانواده را بر هم بزند. این وظیفه بیشتر برعهده ی مرد نهاده شده است.

خداوند در قرآن می فرماید <<الرجال قومن علی النساء>>(آیه ۳۴سوره نساء)

طبق این آیه ، خداوند مردان را تکیه گاهی برای زنان می داند و به دلیل همین وظیفه است که مردان را قوی تر و در مصیبت ها صورت تر ودر جنگ ها شجاع تر آفریده است. در نتیجه خداوند ابزار محافظت از نسل را به مردان داده است که یکی از آنها عقل کلی نگر مردان است تا با استفاده از آن بتوانند امور آینده خانواده ی خویش را پیش بینی کنند.

ابزار دیگر محافظت از نسل غیرت است ،غیرت یعنی مراقبت از حریم خانواده و غیر را در حریم خانواده راه ندادن. اما مسئله مهم حفظ تعادل درغیرت است،امام علی (ع) در نامه ای به امام حسن (ع) می فرمایند :< نسبت به زن غیرت بیش از اندازه روا مدار که زن پاکدامن را به گناه می کشاند.> نکته دیگری که به نظر می رسد از آن غفلت شده این است که برخی نگاه تک بعدی نسبت به غیرت دارند در حالی که غیرت، دغدغه مرد در همه ی عرصه ها نسبت به خانواده است. مثلاً غیرت در زمینه اجتماعی که یک شکل آن را می توان خرج کردن پول توسط مرد، اول برای خانواده و بعد برای خودش ذکر کرد و دقیقاً همین جاست که وجوب دادن نفقه از طرف مرد به زن را متوجه می شویم، که ملاک آن، وظیفه ی محافظت از نسل است که خداوند بر دوش مرد

## محرم آمد...



محرم که می آید نا خود آگاه ذهن هر کس به عزاداری برای امام حسین(ع) کشیده می شود، هیئات عزاداری و روضه ی امام حسین(ع)، اشک واه،سینه زنی و دسته های عزاداری بر پا می شود.غذاهای نذری که به عشق ابا عبدا... (ع) بین مردم پخش می شود.همه و همه ی اینها به خاطر یادآوری روزی ست که امام حسین(ع) از جان و مال خود گذشت،از عزیزانش،از جگر گوشه هایش،از دلاوران بی همتایش و حتی از کودک شش ماهه اش ،روز عاشورا .اما برای چه ؟فقط برای

نهاده است.

البته اگر خداوند غیرت را به مرد می دهد ظرفیت پذیرش غیرت را هم به زن می دهد و به همین دلیل است که می گوییم محافظت از نسل با کمک زن تکمیل می شود.

در بررسی عامل سوم تشکیل نهاده خانواده یعنی تربیت نسل باید گفت :

خداوند این مسؤولیت را به زن (با کمک مرد) داده است و احادیثی داریم که این امر را بیان می کند،

از جمله اینکه از دامن زن است که مرد به معراج می رود و یا بهشت زیر پای مادران است.(مادری که حق مادری را به جای آورد و فرزند صالحی تحویل جامعه بدهد).

خداوند برای انجام این وظیفه ابزارهایی به زن داده است که در ادامه به آنها اشاره می کنیم:

زن باید با فرزند خود حرف بزند تا چیزهای فراوانی به او بیاموزد و فرزند محبت و انس بیشتری با مادر بگیرد، در نتیجه خداوند ظرفیت حرف زدن را در زن نسبت به مرد بالا برده است.(از نظر علمی ثابت شده که حتی جنین دختر تقریباً دو برابر بیشتر از جنین پسر دهانش را باز و بسته می کند).

مادر باید منبع محبت باشد تا این محبت را نسبت به فرزند اعمال کند و فرزند نسبت به مادر علاقه پیدا کرده و از او الگو بگیرد.

مادر باید عقل جزئی نگر داشته باشد تا لحظه لحظه ی زندگی فرزندش را زیر نظر بگیرد و به دلیل همین ویژگی است که مادر مشکل فرزندش را زمانی که گریه می کند می داند ،چون به ریز ترین موارد توجه دارد.

با وجود اینکه جسم زن ضعیف تر از مرد است اما سیستم امنیتی بدن زن قوی تر از مرد است ،زیرا زن باید در برابر بیماری ها مقاوم باشد تا بتواند فرزند را به دنیا بیاورد.

با توجه به آنچه بیان شد، آیا تفاوت های( فیزیکی و غیر فیزیکی) بین زن و مرد تبعیض است؟ یا حکمت عادلانه خداوند است و دلیل آن تفاوت در مأموریت هاست. آیا شبیه نبودن احکام و تکالیف زن و مرد ظلم به یکی از آنهاست؟ یا این احکام براساس مأموریت ها ی آنهاست ودر نهایت آیا با برقراری اصل تساوی و تشابه و نه صرفاً تشابه عدالت در حقوق بین زن و مرد برقرار نشده است و باید حتما حقوق آنها دقیقاً مشابه باشد تا عدالت برقرار شود ؟

فرزانه ابراهیمی

اینکه من وتو هر ساله برویم به پای روضه اش بنشینیم به یاد مصیبت هایش بگیریم و دلمان را صیقل دهیم،نه عاشورا فقط این نبوده و نیست ،عاشورا در دل خود پیام هایی دارد که هر کدام درسی ست برای مادرسهایی که نشان می دهد باید چگونه بود، تا لایق در رکاب ولی امر شد و چگونه نبود تا مبدا در صف دشمنان امامت باشی.

پیام عاشورا امر به معروف و نهی از منکر است که این روز ها از آن به نام واجب فراموش شده یاد می کنند.

پیام عاشورا نماز است ویا د خدا ولی این روزها مساجد رونق خوبی ندارند و ما باید رونق به آن ها دهیم.

پیام عاشورا حریت و آزادیگی ست ولی عده ای بنده اند ،بنده ی آمال و آرزو ها وهوس های خود .

پیام عاشورا هیئات منا الذله است و به سادگی به خاطر دنیا تن به ذلت میدهیم . پیام عاشورا عشق و محبت، ایثار وفداکاری،صبر وشکیبایی در برابر مصیبت ها و ادب است که در زندگی روزمره یمان گم شده. است

و...

و محرم هر ساله تلنگری است بر وجدان های خفته ما تا مبدا پیام های عاشورا و عهدی که بستیم را فراموش کنیم وبا سرمشق گرفتن از پیام های نهضت عاشورا، آرمان های حسینی را زنده کرده و فرهنگ عاشورایی را در جامعه تحقق عینی ببخشیم و زمینه ساز حضرت ولیعصر (عج)باشیم.

آسیه امان الهی

آن گونه دل تنگیم که خداوند هم دل تنگی ما را حس می کند .. با آن همه بزرگی! آفریدگار عجیبی است.. چه زیبا با آن همه بزرگی تنگی دل کوچک ما را حس می کند!!

خدایا دانستم با آن همه بزرگی کوچکی ما برایت فرقی نمی کند.. تو بزرگی می کنی! خدایا تو را قسم به همه بزرگیت هوای دل بی هوای ما را داشته باش!

ما آنقدر فراموش کار هستیم که تمام عاشقی که در حق ما کردی.فراموش کنیم! ما چه زود مغرور می شویم آن وقت تو با آن همه عظمت.. پس غرور تو کجاست؟!

ما کوچکی می کنیم خدایا! کوچکمان نکن! آنگونه مغرور می شویم که حتی خودمان را هم شناسیم! در پس غرورمان پنهان می شویم و خودمان را گم می کنیم..خدایا جوری گم نشویم که دیگر پیدا نشویم..!

دستمان را بگیر! خدایا حقا که معشوقان بی وفای تویم.. اما شنیدم تو عاشقی! پس عاشقی کن! امید است که با آن همه عاشقی معشوق خویش را عاشقانه عاشق خود کنی..!

فاطمه شمس







بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر یک غفلت بشود، مملکتتان از بین می رود. غفلت نباید بکنید. غفلت نکردن به این است که همه قوا، هر چه فریاد دارید، سر (آمریکا) بکشید، هر چه تظاهر دارید، بر ضد آن بکنید.

صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱

# روزنه بصیرت

## اندر حکایت روزنامه بهار

چندی پیش در تاریخ یکم آبان ماه و در آستانه عید سعید غدیر ، مقاله ای در صفحه اول (!) روزنامه بهار منتشر گردید با عنوان « امام پیشوای سیاسی یا الگوی ایمانی». این مقاله که توسط علی اصغر غروی هم نوشته شده بود توانست مخالفت های زیادی - از کارشناسان دینی گرفته تا مراجع عظام تقلید- را بر انگیزد...

اما بدون اینکه بخواهیم به محتوای آن هم نظری بیندازیم از اسم و عنوان آن بوی سکولاریسم به مشام می رسد! البته این عجیب نیست با توجه به اینکه روزنامه های هم طیف بهار در دوره اصلاحات سابقه درخشانی در کارنامه خود رقم زده اند . البته به عقیده برخی این مقاله احتمالا دکمه «شروع» بوده برای اینکه دوستان و همکاران مطبوعاتی هم خط وارد صحنه شوند!البته اگر حساسیتی برانگیخته نمی شد! مثل این است که که چند نوجوان بازیگوش ، یکی از خود را اجیر کنند تا شیشه ساختمانی را بشکنند و ببینند کسی معترض می شود یانه؟! و اگر اتفاق نیفتاد بیایند باقیمانده را نشانه بگیرند!

نویسنده این مقاله سعی کرده اثبات کند امام الگوی ایمانی است نه پیشوای سیاسی و در این راه به قول «محمدعلی شاه‌آبادی» (کسی که یادداشت جوابیه این مطلب را در بهار نوشته است..) آیات و روایاتی که به آن ها استناد شده مُثله شده اند که مبادا بخواهند امام را پیشوای سیاسی جلوه بدهند!

مثلا در جایی در نفی پیشوایی سیاسی امام گفته « مراد از «تمام نعمت» در آیه مذکور، نه حکومت و پیشوایی دنیوی، بلکه اتمام بعثت نبی، نزول، دریافت و ابلاغ بدون کاستی و نقصان قرآن است.»

در حالیکه همه مفسران شیعه به صورت قاطع و محکم معتقدند که مراد از کلمه «الیوم (امروز)» در آیه شریفه اکمال دین ، روز غدیر خم بوده و از طرفی اینجا کلمه « یش» به کفار نسبت داده شده چون تصور می کردند حکومت بعد از پیامبر متلاشی می شود و انتظار نداشتند که نبی شخصی چون علی را به جای خود بگمارد و از این رو نا امید شدند! ! طبق اظهار جناب نویسنده چگونه ممکن است که خداوند برای گفتن موضوع اتمام وحی! این چنین فوریتی به خرج دهد و در آیات مکمل « وان لم تفعل فما بلغت رسالت» بخواهد که به مردم این پیام را ابلاغ کند و الا رسالتش ناتمام است؟!..! چطور کسی به خودش اجازه می دهد بدون تخصص لازم این چنین تفسیر به رأی کرده و اذهان عمومی را مسموم کند؟!!

یا در جای دیگر که گفته «رفار علی با هر سه خلیفه پیش از خود و به ویژه ابوبکر و عمر نشان می‌دهد که وی آنها را کسانی نمی‌پندارد که سخن پیامبر را بر زمین زده و حکومت را غصب کرده باشند. »

سؤال اینجاست که نویسنده با چه سندی آنقدر محکم و مطمئن قلم می راند؟! مگر خطبه معروف شششقیه را ندیده که حضرت در آن به وضوح درباره غصب خلافت صحبت می کنند و شاید اگر سخنان حضرت در این خطبه ادامه پیدا می کرد حقایق بیشتری از ظلم های روداشته شده به ایشان آشکار می شد. در جایی دیگر از این مقاله آمده « چگونه می توان تصور کرد که اندیشه علی (ع) معطوف به کسب و حفظ قدرت بوده» و در بخش دیگر اظهار داشته او بیش و پیش از هرکسی امام است امام اخلاق و عدالت و شرف و آزادی آزادیگی . او زعامت کبری دارد و سپس می گوید « آیا میان این زعامت و امامت که علی (ع) مصداق اتم آن است با زعامت و خلافت سیاسی هیچ سنخیت و شباهتی وجود دارد؟یا تنها اشتراک لفظی ساده ای است که انحرافات شگفت به بار آورده؟»

آیا نویسنده تلاش علی (ع) و همچنین ائمه بعدی را برای استقرار حکومت الهی در زمین با قدرت طلبی یکی می داند که زعامت سیاسی را از زعامت معنوی جدا می کند؟! یا هراس دارد امکانات دنیوی علی را از این عظمت و عصمت نزول دهد؟! در حالیکه همه این ها در دست علی اسبابی خواهد شد برای استقرار همین حکومت الهی که هدف بعثت انبیاءبوده .

جالب است که نویسنده در ابتدای مقاله اظهار داشته که عده ای علی را با فهم ناقص شناخته اند و با این فهم ناقص هیزم به آتش اختلاف مسلمین می ریزند! آیا جناب غروی با اطلاعات ناقص و تفسیر به رأی های مکرر کژفهمی شده یا بزرگان و علمای شیعه که سال ها زیر نور شمع درس خوانده اند تا بتوانند استنباط صحیحی از آیات و روایات داشته باشند؟! آنانند که باید ادعای تفقه و تدقیق در دین را داشته باشند!

هر چند که ایشان فرزند سید جواد غروی( مدعی شاه دوستی در ساواک) است که عقاید انحرافیش درباره زهرا (س) و معراج پیامبر واکنش امام را نیز برانگیخت : ««با صحت مطالب فوق چنین شخصی منحرف از مذهب اهل بیت است و لازم است مؤمنین از او احتراز کنند و حضور در جماعت و منبر این شخص حرام و در معرض گمراهی است. خداوند مسلمین را از شر این عناصر فاسده حفظ فرماید.»

روزنامه بهار هم اکنون توقیف شده است. گفتن این مطلب خالی از لطف نیست که این اقدام قانونی نمی تواند منافی آزادی بیان باشد . با مثالی ساده این موضوع حل می شود. زمانی که یک بیماری و مسمومیت در جامعه شیوع پیدا می کند مسئولین موظفند عامل شیوع این سم و بیماری را کشف کنند و جلوی آن را بگیرند .. آیا درباره شیوع افکار مسموم این مسئولیت ساقط می شود؟!

علیه محمدراده

## جاسوسان روی فیر !!!

این روزه اگر کمی در فضای مجازی به جستجو و فعالیت پرداخته باشید متوجه خواهید شد که تیتراکثر خبرگزاری های داخلی و خارجی با کلمه افشاگری های ادوارد اسنودن همراه است....

اسنودن افشاگر بزرگترین توطئه و جاسوسی اطلاعات جهان بوده است.

پروژه ای مشهور به «هرم» را اکنون بزرگترین توطئه و جاسوسی اطلاعاتی در جهان می‌دانند؛ پروژه‌ای که در آن هر ایمیل، هر اظهار نظر یا پیام خصوصی در فیس بوک، متن چت‌ها، مکالمه با اسکایپ و هزاران نوع اطلاعات دیگر ضبط و شنود شده است.

ادوارد اسنودن عامل افشای این پروژه اکنون در حال فرار برای بازداشت نشدن از سوی نیروهای امنیتی آمریکاست. او را اکنون به خاطر این افشاگری بزرگ تحت تعقیب‌ترین مرد جهان می‌دانند.

دولت آمریکا از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه مجددا خواسته است که او را به «بدون تاخیر» به این کشور مسترد کند. پوتین اعلام کرده است اسنودن در محوطه ترانزیت فرودگاه مسکو به سر می‌برد. وزارت دادگستری آمریکا این مرد جوان را به جاسوسی و سرقت اسناد محرمانه متهم کرده و گذرنامه او را باطل کرده است. چرا اما اطلاعات این مرد این‌قدر مهم است؟

همه کاربران سرویس‌های مشهور اینترنتی جهان از جمله گوگل و فیس‌بوک به خاطر امکاناتی که به کاربران میدادند هدف این جاسوسی بوده‌اند. اگر بخواهید تا حدودی دقیق‌تر بدانید بر اساس اطلاعاتی که ادوارد اسنودن افشا کرده اطلاعات زیر از همه کاربران زیر نظر نهادهای اطلاعاتی آمریکا بوده است:

- متن کلیه ایمیل ها در سرویس های فوق مانند ایمیل های یاهو، جیمیل، آمریکن آنلاین، هات میل، ام اس ان، آدرس گیرنده و فرستنده های ایمیل ها و کلیه فایل های پیوست.

- متن همه چت ها و گفتار های متنی، صوتی و ویدیویی در سرویس هایی مثل یاهو مسنجر، اسکایپ، پال تاک، گوگل تاک و...

- کلیه فعالیت ها و معاشرت ها در شبکه های اجتماعی نظیر فیسبوک در کنار کلمه‌های عبور افراد مورد هدف در شبکه های اجتماعی و سرویس های اعلام شده.

- اطلاعات دقیق تر و بررسی های اطلاعاتی در مورد افراد خاص یا مشکوک اما همه آنچه تاکنون از بزرگترین جاسوسی جهان منتشر شده تنها ۴ صفحه از فایل ۴۱ صفحه ای است که در اختیار روزنامه گاردین قرارگرفته است. همین ۴ صفحه هم اما خیلی‌ها را شوکه کرده است.

برای بحث اصلی این خبر نیاز به دانستن یک واژه کامپیوتری به نام دیتاستر(مرکز داده) است...مرکز داده به مجموعه ای از سرویس دهنده ها، زیرساختارهای ارتباطی و تجهیزات دسترسی که برای ارائه، نگهداری و پشتیبانی از میزبان های سرویس های اینترنتی به کار گرفته شده اند گفته می شود.

حال به ادامه بحث میپردازیم...شرکت گوگل دارای چندین دیتاستر در نقاط مختلف جهان میباشد

که بایکدیگر به صورت یک شبکه ابری داخلی در ارتباط هستند و با همدیگر اطلاعات را رد و بدل میکنند...

روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست گزارش داد اسناد محرمانه اسنودن و مصاحبه با مقامات آگاه نشان می دهد آژانس امنیت ملی به طور مخفیانه به لینک‌های ارتباطی اصلی که مراکز داده‌های یاهو و گوگل در سرتاسر جهان را به هم پیوند می‌زند نفوذ می‌کند.

آژانس امنیت ملی آمریکا با جاسوسی از آن لینک‌ها توانسته بر حسب میل خود از حساب کاربری صدها هزار میلیون کاربر اطلاعات جمع‌آوری کنند...

### مرگ برای همسایه خوبه...

حکایت عجیبی است....

دوره و زمان جالبی را سپری می‌کنیم، نمیدانم شاید برای شما پیش آمده باشد....

مَلّت و مردم تفکر و ذهنیت خاصی به مسائل پیرامون دارند.....

یک سری افراد مثل آب و هوای کشور عزیزمان می مانند، تقریبا میشود پیش بینی کرد آنها را ولی تا روز وقوع حوادث باید صبر داشته باشید و به اصطلاح خیلی‌ها مراقب سایر افراد جامعه هستند.

بعضی ها هم مثل قیمت دلار و سکه نوسانات خیلی زیادی را طی می کنند ولی آخر به قیمت روز با سایرین معامله می کنند.

بعضی ها مثل قیمت غذای دانشجویی هستند. بر اساس یک ترم و قیمت اجناس و نظر مدیران مربوطه افزایش و یا خدایی نکرده کاهش می یابند؛ خوبی این قشر ثابت ماندن در طول یک زمان مشخص است.



داده‌هایی که از کابل‌های نوری انتقال‌دهنده اطلاعات در بین شرکت‌های بزرگ فناوری را کپی و رمزگشایی می‌کنند.

این فرایند از آن جهت حائز اهمیت است که پیشتر افشا شده بود آژانس امنیت ملی طبق رأی دادگاه به حساب‌های کاربری کاربران گوگل و یاهو دسترسی دارد. حال که با موضوع بحث آشنا شدید به مصاحبه های خبری توجه کنید...

واشنگتن پست افزود: «برنامه ماسکیولر یک برنامه مخفی و مکمل برنامه جاسوسی پرسم است که آژانس امنیت ملی آمریکا با اجرای آن توانسته است با تحت فشار قراردادن شرکت‌های فناوری رایانه‌ای، اطلاعات شهروندان را رصد کند».

شرکت یاهو در واکنش به این افشاگری‌ها، در بیانیه ای اعلام کرد: «ما نظارت‌های دقیقی برای حمایت از امنیت مراکز اطلاعاتی داده‌های کاربران اینترنتی خود به اجرا گذاشته‌ایم. ما نه به آژانس امنیت ملی آمریکا و نه به هیچ یک از دیگر آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا اجازه دسترسی به این مراکز را نداده ایم».

یکی از مسئولان گوگل تأکید کرد: «این شرکت رایانه‌ای به‌هیچ وجه در جاسوسی آژانس امنیت ملی آمریکا از اطلاعات کاربران شرکت دست نداشته و از شنیدن گستردگی فعالیت‌های جاسوسی این آژانس، غافلگیر شده است ما از مدتها پیش نگران چنین اقدامات احتمال نظارتی بوده‌ایم و همچنین ما از گستردگی این اقدام جاسوسی از اطلاعات کاربران خود توسط آژانس امنیت ملی آمریکا که با فیبرهای نوری خصوصی گوگل انجام شده است، شوکه شده‌ایم؛ امری که ضرورت ایجاد اصلاحات فوری را ایجاب می‌کند».

و به قسمت جالب این خبر هم توجه کنید:

ژنرال «کیت الکساندر» رئیس آژانس امنیت ملی آمریکا در کنفرانسی در واشنگتن در پاسخ به سؤالی درباره افشاگری‌های واشنگتن پست، تأکید کرد، هیچ اطلاعی از این ماجرا ندارد و چنین ادعاهایی نادرست است؛ چرا که «هرگز چنین فعالیت‌های جاسوسی صورت نگرفته است».

حال با توجه به پاس کاری این شرکت ها با سازمان امنیت ملی ، این ضرب المثل را می توان بیان کرد.... پیداکنید پرتغال فروش را...

محمد خالوئی

بازهم متذکر می شوم منظورم تفکر افراد است.

بحث جالب‌تر نیز میشود....

چرا اینکه بعضی از افراد خودشان را متخصص می‌دانند.....

بگذارید بیشتر توضیح بدهیم...

بعضی از افراد چنان بحث و گفتگو می کنند که انگار چندین سال در آن مبحث به پژوهش و تحقیق و.... پرداخته اند و اصلا هم از روی تعصب و... صحبت نمیکنند و هیچ مخالفی را هم قبول ندارند...

نمیدانم چرا بعضی از افراد نمی خواهند قبول کنند که برای بحث و گفتگو در هر مسئله باید به متخصص آن رشته رجوع و دلایل فنی و منطقی را شنید و نقل کرد نه اینکه به حرف سایر مردم گوش داد و مثل یک دستگاه کپی آنها را نقل کرد .....  
نمیدانم .....

واقعا نمیدانم.....

شما میدانید؟

همکلاسی